

رحیم عقیقی

میزدِ گاهنبار

میزد که در فرهنگ‌های فارسی^۱ بمعنی مجلس شراب و عشرت و مهمانی آمده در نوشته‌های پهلوی بمعنی نذر و خیرات یا ولیمه غیر مایعی است که در مراسم مذهبی داده می‌شده است. گاهنبارها جشنهایی بوده که از زمان‌های باستان در اوقات معین سال می‌گرفتند و تعداد آنها شش بوده است در نوشته‌های پهلوی هر یک از گاهنبارها را به‌زمان پیدایش آسمان، آب، زمین، گیاه، حیوان، انسان نسبت می‌دهند و دوره هر یک را پنج‌روز می‌نویسند که روز اصلی، آخرین روز این مراسم است.^۲

در روایات داراب هرمزدیار آمده: خداوند آفرینش این جهان را در شش هنگام به‌انجام رسانید پس مردمان راست که در این هنگام گاهنبار کنند و آفرین گویند و می‌زد (ولیمه) سازند و خدای را ستایش کنند^۳

متن زیر که از روایات پهلوی با داتستان دینیک گرفته شده به‌زبان

۱- نک: فرهنگ جهانگیری ویراسته نگارنده ۲۳۴۴/۲.

۲- نک: خرده‌اوستا پورداد ۲۱۷.

۳- نک: روایات داراب هرمزدیار ۴۲۶/۱.

پهلوی و خط آم دبیره است که درباره میزد گاهنبار میباشد. این متن را ارواد بامانجی ناسروانجی دهابهار در ۱۹۱۳ میلادی با چند نسخه مقابله و بچاپ رسانیده و اینک نگارنده آنرا به فارسی برگردانیده است. واژه‌هایی که نیاز به شرح داشته در زیر نویس شرح آن آمده و واژه‌هایی که در [] آمده برای روشن شدن مطلب افزوده شده است.

* * *

۱- گاهنبار را پیدا [ست] که چون بسازید، ستائید، خورید و رادانه و برستی دهید. اورا گرفته^۴ همچون [است] که یک هزار میش زائیده با بره^۵ او به داشتن^۵ ایزد اهروب^۶ به مرد پاك داده اید.

۲- چونکه خورید، چونکه بسازید، چونکه دهید اورا هم همین گرفته بود.

۳- چون ده مرد به گاهنبار دارند، ازین گاهنبار تا گاهنبار دیگر هر کار و گرفته [که] از آن ده مرد، یکی بکنند، همگی را چنان بهره بود همچونکه ایشان بدست خویش کرده اند، و چون به یکصد مرد، همچنان بود.

۴- گاهنبار را پیدا [ست] که بیش از ۵ روز چون اندر آیند، همه دام^۷ اورمزد [که] زیر زمین [است] همچون روباه، راسو، کاکم، موش و

۴- گرفته: نواب، کارنیک.

۵- داشتن: عطا، بخشش.

۶- اهروب: پاك، پرهیزگار. مفهوم چنین بنظر میرسد: در راه خدا.

۷- دام: مخلوقات.

همچنین همه دام [که] روی زمین [است] همچون آب و گیاه و گوسفند و مردم امید دارند که از مینوی گاهنبار به افزائیم^۸ .
 و پیدا است که میزد آن میه ، به [که در] گاهنبار^۹ .

* * *

۱- جائی پیدا [ست] که زردشت از اورمزد پرسید که هرگز تو میزد کرده ای .

۲- اورمزد گفت که من کرده ام . چه من چون کیهان دادم یک میزد بکردم و چون من جان به کیومرث دادم یک میزد بکردم .
 چون تو زردشت از مادر زادی یک میزد بکردم .
 چون دین از من به پذیرفتی یک میزد بکردم ؛

که میزد چنان سهیک^{۱۰} ، که مردمان هر کار و دادستان و نیکی ها فراز کنند برای میگرد کشندانی و مطالعات فرنگی
 ۳- چه پیدا [ست] که میزدی [که] برای سه مرد [باشد] به ده هزار فروهر^{۱۱} پاکان رسد .

۴- زردشت این پرسید از اورمزد که میزدی که به یزدان رسد

۸- مفهوم چنین بنظر میرسد که مخلوقات پس از پنج روز گاهنبار امید دارند که از اثر معنوی گاهنبار وضعشان خوب و یارونق شود .

۹- مفهوم چنین بنظر میرسد که میزدی که در گاهنبار داده میشود مهتر و بهتر از میزدهای دیگر است .

۱۰- سهیک: ارجمند ، والا .

۱۱- فرّوهر یا فرهوشی: نیروهای باطنی مخلوقات .

نشان آن چه؟ .

۵- و اورمزد گفت که يك نشان آنکه [اگر] باران باید، به میزد باران بود^{۱۲} .

۶- اورا این نیز نشان که کسانی که میزد همی کنند [اگر] ایشان را پیش ناآشتی بوده است، اندر میزد آشتی بکنند .

۷- اورا این نیز نشان که مرد نيك خوب شایسته که به میزد خوانده شده است... به آن میزد رسد و اورا به پذیرند و نيك دارند .

۸- و این نیز پرسید که میزد که به دیوان رسد نشان چه؟

۹- و او گفت که ابر، هامون، باران، تندر خشک کند .

یکی با دیگری کوخشش^{۱۳}، کارزار در میزد کنند .

مردم بد، اندر میزد رسند، و چون چنان بود میزد به آن دیوان آمده باشد .

۱۲- مفهوم چنین است که اگر موقع باران باشد در مراسم میزد باران خواهد آمد .

۱۳- کوخشش : ستیز .

... 1500 ... 1500 ... 1500 ...
... 1500 ... 1500 ... 1500 ...
... 1500 ... 1500 ... 1500 ...

(4) ... 1500 ... 1500 ... 1500 ...
... 1500 ... 1500 ... 1500 ...
... 1500 ... 1500 ... 1500 ...
... 1500 ... 1500 ... 1500 ...



(1) ... 1500 ... 1500 ... 1500 ...
... 1500 ... 1500 ... 1500 ...
... 1500 ... 1500 ... 1500 ...
... 1500 ... 1500 ... 1500 ...
... 1500 ... 1500 ... 1500 ...

(1) MR₁ ... (2) BK om. (3) Thus BK, for ... (4) MR₁ ...
... and J ... for the last 3 words. (5) MR₁, J add ...
(6) MR₁, J ... (7) MR₁ ...; J ... (8) P ... =the weasel. (9) P. ... =the
ermine. (10) Thus MR₁, J; BK ... (11) MR₁ ... (12) MR₁, J
... (13) MR₁, J ... (14) BK ... (15) MR₁, J ...
(16) MR₁, J ... for ... (17) MR₁, J ...

(8) ۹۶۶ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱

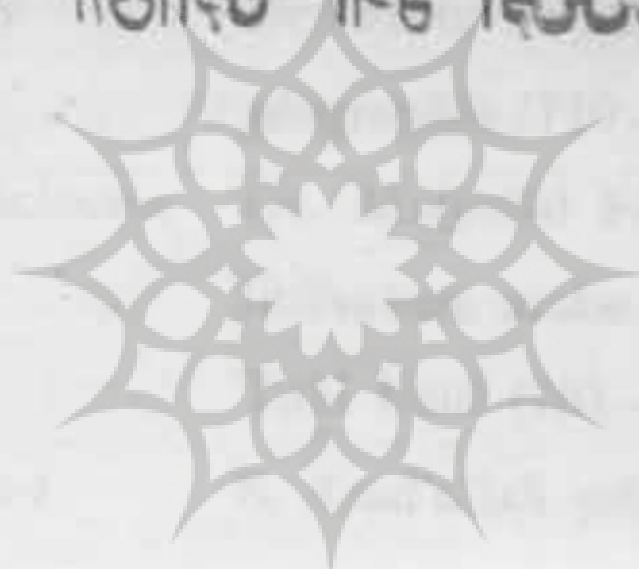
۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ (9) ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱

۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱

۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱

۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱

۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(1) MR₁, J ۱۱۱۱۱۱۱۱ . (2) MR₁, J om. (3) MR₁, J ۱۱۱۱۱۱۱۱ . (4) MR₁ om.
5) J adds ' . (6) MR₁, J add ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ . (7) MR₁, J ۱۱۱۱۱۱۱۱ for ۱۱۱۱۱۱۱۱ .
8) MR₁, J ۱۱۱۱۱۱۱۱ . (9) BK ۱۱۱۱۱۱۱۱ . (10) MR₁ ۱۱۱۱۱۱۱۱